

جایگاه و نقش قابلیت های اکتسابی انسان در یادگیری

مختار رنجبر ۱ عباس فریدونی ۲ و ابراهیم رحمانی ۳ (نویسنده مسئول)

۱. استاد یار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران ranjbarmokhtar@yahoo.com

۲. دبیر آموزش و پرورش اشکنان و دانشجوی مقطع دکترای رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد..

farhadvar1400@gmail.com

۳. دبیر آموزش و پرورش شهرستان بستک و دانشجوی مقطع دکترای رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد.

ebrahimrahmani2435@yahoo.com

چکیده

سابقه و هدف: استعداد به گفته دکتر عطا، حداکثر ظرفیت برای رسیدن به موفقیت است. به بیان دیگر، استعداد نیرویی است که هرکس درون خود دارد تا بهترین خود را زندگی کند. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است. یافته ها: از نظر این پژوهش یادگیری، تغییر نسبتاً پایدار در رفتاری که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ می دهد. یادگیری عبارتست از تغییر نسبتاً پایدار در احساس، تفکر و رفتار فرد که بر اساس تجربه ایجاد شده باشد. نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که همه انسانها با استعدادشان به دنیا می آیند. استعداد در وجود تک تک ما نهادینه و اصطلاحاً نرم افزار آن روی همه ما نصب شده است اما در هرکس به شکل مخصوص و منحصر به فرد خودش. همان طور که از لحاظ جسمانی و ویژگی های فیزیکی هیچ دو نفری به هم شبیه نیستند، ویژگی های روانی هیچ دو نفری هم کاملاً مشابه نیست.

واژه های کلیدی: استعداد، اسلام، متفکران مسلمان، انسان، یادگیری.

مقدمه

توانایی یادگیری تأثیر مستقیمی روی یادگیرنده دارد. او به منظور موفقیت شخصی و شغلی، فرصت های بی شماری برای توسعه مهارت های اجتماعی و بین فردی به دست می آورد. یادگیرنده از تجربیات خود برای ایجاد روابط سودمندی استفاده می کند که در زندگی او مفید باشد. بررسی اصول یادگیری به ما کمک می کند تا علت های رفتارمان را بفهمیم. آگاهی از فرایند یادگیری نه تنها در فهم رفتار بهنجار و انطباقی به ما کمک می کند، بلکه امکان درک بیشتر شرایطی را که منجر به رفتار نا سازگار و نابهنجار می شود نیز به ما می دهد، در نتیجه روش های موثر تر روان درمانی را به وجود می آورد [۸].

روش های کودک پروری نیز می توانند از اصول یادگیری بهره مند گردند. بدیهی است که افراد با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت های فردی را می توان بر حسب تجارب یادگیری متفاوت تبیین کرد. یکی از مهم ترین صفات انسان زبان است و بی تردید توانایی های ویژه تکلم به طور عمده از یادگیری حاصل می شوند. افزون بر این بین اصول یادگیری و روش های آموزشی رابطه نزدیکی وجود دارد. [۹]

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی توصیفی و مروری تحلیلی می باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم ترین موتورهای جستجو و پایگاه های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودن از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام های ارتباطی به کار می رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سال های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه های معینی در یک متن و یا مجموعه ای از متون استفاده می شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده ها می دانند. متن می تواند شامل کتاب، فصل یا فصل هایی از یک کتاب، نوشته ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد.

مبانی نظری

یادگیری (به عربی: تعلم) کارکردی است که با آن، دانش، رفتارها، توانمندی ها یا انتخاب های نو یا موجود به ترتیب، درک یا تقویت و اصلاح می شوند، که شاید به یک تغییر بالقوه در ترکیب داده ها، عمق دانش، رویکرد یا رفتار نسبت به نوع و گستره تجارب منجر شود. [۱] توانایی یادگیری، در دسترس انسان ها، جنبندگان و گیاهان [۲] و انواعی از ماشین ها قرار دارد. روند یادگیری در طول زمان، هرم یادگیری را دنبال می نماید. یادگیری به صورت آنی انجام نمی شود، بلکه بر پایه دانسته های گذشته رشد می کند. بر همین پایه، دید ما یادگیری می تواند در راستای یک روند تعریف شود تا مجموعه ای از دانش شیوه انجام و گزاره هایی بر مبنای واقعیت باشند. یادگیری، در نهایت به تغییراتی می انجامد که معمولاً دائمی هستند. [۳]

یادگیری در انسان می تواند بخشی از فرایند تحصیل، توسعه فردی، و تمرینات باشد که ممکن است هدفمند یا به وسیله انگیزش انجام شود. یادگیری از طریق مطالعه، از روند خواندن ذهن متمرکز و هوشیار و از تأمل دقیق در مورد آنچه خوانده می شود حاصل می گردد. در ادامه، یادگیری از طریق استفاده از آموخته ها و جستجوی استفاده های احتمالی از آموخته ها است [۴] با اینحال این یک حکم کلی است و مطالعه اینکه یادگیری چگونه رخ می دهد بخشی از روانشناسی تربیتی، عصب روانشناسی، تئوری آموزش و علوم پرورشی می باشد. یادگیری ممکن است در نتیجه خوگیری یا شرطی شدن کلاسیک (همان طور که در بسیاری از تیره های جنبندگان دیده شده است) انجام شود یا اینکه می تواند نتیجه کارهای پیچیده ای نظیر بازی (که صرفاً در جنبندگان هوشمند دیده شده است) باشد. [۵][۶] یادگیری ممکن است خودآگاه یا ناخودآگاه انجام شود. یادگیری اینکه یک رویداد ناگوار، فرارناپذیر است و نمی شود از آن پیشگیری کرد درماندگی آموخته شده نامیده می شود. شواهدی وجود دارد که در انسان، در هنگام جنینی، یادگیری در ۳۲ هفته پس از باروری شروع می شود، که

گویای این می‌تواند باشد که دستگاه عصبی مرکزی به اندازه کافی توسعه یافته‌است و آماده است تا حافظه شروع به کار کند. [۷]

تعریف ارنست راپیکت هیلگارد و مارکویز و جمعی از همکاران و روان‌شناسان از یادگیری اینگونه است: یادگیری عبارتست از تغییر نسبتاً پایدار در احساس، تفکر و رفتار فرد که بر اساس تجربه ایجاد شده باشد. رفتارگرایی از قبیل جان واتسون و اسکینر که سرشت انسان را انعطاف‌پذیر می‌دانستند، معتقد بودند که در رشد، یادگیری نقش اصلی را ایفا می‌کند. چنان‌که آموزش اولیه می‌تواند صرف‌نظر از آنچه کودک از استعدادها، تمایلات، علاقه‌ها، توانایی‌ها، نژاد و اجداد به ارث برده، او را به هر نوع بزرگسالی تبدیل کند [۱۱]. هرگنهان و السون گفته‌اند «یادگیری یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها در روانشناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل‌ترین مفاهیم برای تعریف کردن است». روان‌شناسی چون هانس، معتقد بودند آنچه که به نظر می‌رسد، تابع برنامه زیستی فطری است، می‌تواند تحت تأثیر رویدادهای محیطی قرار گیرد. مک‌گرا، دنیس، گزل و تامپسون معتقد بودند که یادگیری و تجربه در تفاوت‌های رشدی نقشی ندارند؛ با این حال پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که تمرین یا تحریک بیش‌تر می‌تواند تا اندازه‌ای رفتارهای حرکتی را تسریع کند. هر یادگیری منجر به عملکرد نمی‌شود، چون افراد بسیاری از چیزها را می‌آموزند ولی امکان به کارگرفتن این آموخته‌ها برایشان پیش نمی‌آید [۱۰].

انواع یادگیری

یادگیری ناهمخوان؛ شامل خوگیری و حساس‌شدگی.
یادگیری همخوان؛ شامل شرطی‌شدن کلاسیک، شرطی‌شدن فعال، یادگیری نهفته و یادگیری بصیرت.
نقش‌پذیری [۱۲].

اختلال یادگیری

اصطلاح اختلال یادگیری، از نیاز به تشخیص و خدمت به دانش‌آموزانی برخاسته‌است که به‌طور مداوم در کارهای درسی خود با شکست مواجه می‌شوند و در عین حال در چهارچوب سنی کودکان استثنایی نمی‌گنجند. ظاهری طبیعی دارند، رشد جسمی و قد و وزن‌شان حاکی از بهنجار بودن آنان است. هوش آن‌ها کمابیش عادی است، به خوبی صحبت می‌کنند، مانند سایر کودکان بازی می‌کنند و مثل همسالان خود با سایرین ارتباط برقرار می‌کنند. در خانه نیز، یاری‌های لازم را دارند و کارهایی را که والدین به آنان واگذار می‌کنند به خوبی انجام می‌دهند. لیکن توانایی لازم برای به جریان اندازی اطلاعات برای بیان کردن و به ویژه، نوشتن را ندارند. پس با توجه به مشخصات کلی این دانش‌آموزان، می‌توان آن‌ها را در گروه جدیدی به نام دانش‌آموزان با اختلال یادگیری قرار داد و گفت این دانش‌آموزان در یک یا چند فرایند روانی که به درک کردن با استفاده از زبان شفاهی یا کتبی مربوط می‌شود، اختلال دارند که این اختلال می‌تواند به شکل عدم توانایی کامل در گوش کردن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، هجی کردن یا انجام محاسبات ریاضی ظاهر شود. این اصطلاح شرایطی چون معلولیت‌های ادراکی، آسیب دیدگی‌های مغزی، نقص جزئی در کار مغز، و نارسا خوانی را در بر می‌گیرد. این تعریف آن دسته از دانش‌آموزان را که به دلیل معلولیت‌های دیداری، شنیداری یا حرکتی، همچنین عقب ماندگی ذهنی یا محرومیت‌های محیطی، فرهنگی یا اقتصادی به مشکلات یادگیری دچار شده‌اند، شامل نمی‌شود [۱۳].

ناتوانی‌های یادگیری با اصطلاح‌هایی چون خواندن جبرانی یا دیرآموزی مترادف نیست. این تعریف، به‌طور ویژه از کودکان و نوجوانانی یاد می‌کند که به شدت دچار ناتوانی‌های یادگیری به خصوصی هستند. دانش‌آموزان مبتلا به این مشکل نیازمند آموزش ویژه‌ای هستند که بنا بر نظر امز باید با تمرین‌های مخصوص، غیرمعمول و با کیفیتی غیرعادی سر و کار داشته باشند. این امر جدا از شیوه‌های آموزشی و منظمی است که اکثر کودکان از آن استفاده می‌کنند. وظیفه کارشناسان در این زمینه، این است که عهده‌دار جبران ناتوانی یادگیری به خصوص کودک به صورت آموزش انفرادی یا گروه‌های کوچک باشند [۱۴].

عوامل بروز اختلالات یادگیری

ثابت شده است که علل بروز ناتوانی‌های یادگیری نسبتاً مبهم است. برخی از مشکلات کنونی درباره مفهوم ناتوانی‌های یادگیری بازتابی است از ناتوانی ما در اشاره دقیق به علل بروز ناتوانی‌های یادگیری که شاهدش هستیم. روشن است که آگاهانه یا ناآگاهانه، مسئله علل بروز ناتوانی‌های یادگیری را به فراموشی و بی‌توجهی می‌سپاریم. بر حسب درک ما از ناتوانی‌های یادگیری و نگرش اولیه حرفه‌ای ما (پزشکی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیتی) نسبت به ناتوانی‌های یادگیری ممکن است ما به علل خاصی توجه پیدا کنیم تا آن که به رابطه علی دشواری پردازیم. اما تجربه گذشته و عمل کنونی به ما ثابت می‌کند که ناتوانی‌های یادگیری مفهومی چند رشته‌ای است و پیوند میان کارشناسان رشته‌های گوناگون در این امر باید برقرار باشد [۱۵].

الف) عوامل آموزشی

تدریس ناکافی و ناصحیح به کودکان

عدم فراگیری معلم از مهارت‌های لازم جهت تدریس درس‌های پایه در مدارس

توقعات بیش از اندازه بالا یا بسیار پایین معلمان

برنامه‌ریزی و طرح برنامه آموزشی ضعیف

عدم فعالیت‌های برانگیزنده

تدریس عملی نادرست

عدم آموزش مهارت‌های اجتماعی، یادگیری و حرکتی و جسمی و نپرداختن به یادگیری‌های زبان شفاهی

استفاده نادرست از روش‌ها و مواد و برنامه درسی

ب) عوامل محیطی: عوامل محیطی بسیاری وجود دارد که می‌تواند به پیچیدگی ناتوانی‌های یادگیری بیفزاید و حتی شاید سبب‌ساز آن باشد [۱۶].

تغذیه، بهداشت، تندرستی: انگیزش ضعیف، توجه ناکافی و ضعف در انجام کار بر اثر گرسنگی و وجود رنگ‌ها و مزه‌های مصنوعی در غذاها طبق نظر فاین گولد روی تحرک بیش از حد کودک مؤثر است. سرماخوردگی مزمن، مشکلات تنفسی، آلرژی‌ها و ... در ناتوانی یادگیری کودک مؤثر است. سقوط، آسیب دیدگی مغزی، ضربه وارد به سر و ... در ناتوانی یادگیری مؤثر است.

تحریک حسی: کودک در حال رشد، نیازمند درون داده‌های حسی است تا درباره محیط و خود و هر دو بیاموزد؛ یعنی کودک به تجربه‌هایی نیاز دارد تا بیاموزد که چگونه بیاموزد. [۱۷]

تحریک زبانی: زبان به واسطه نقشش در تفکر و یادگیری سایر مهارت‌ها در محیط زندگی کودک جایگاه ویژه‌ای دارد و ممکن است ناتوانی کودک از نبود مدل‌های درست در اوایل رشد وی سرچشمه گرفته باشد.

رشد اجتماعی و عاطفی: بسیاری از کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری مضطرب، نامطمئن و بی‌اختیار و سرکش هستند که ممکن است این رفتارها با فقدان امنیت طبیعی، ثبات محبت و گرمی و پذیرش در منزل و محیط مدرسه پیوند داشته باشد.

ج) عوامل روانی: امکان دارد کودکان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری در عملکردهای روانی پایه چون ادراک، حافظه و شکل درون به مفاهیم اختلال داشته باشند [۱۸].

د) عوامل فیزیولوژیکی: بسیاری از متخصصان بر این باورند که علل اساسی و عمده ناتوانی‌های یادگیری آسیب دیدگی مغزی، شدید یا جزئی و صدمه وارده به دستگاه عصبی و مرکزی است.

ه) عوامل ژنتیکی: شواهدی در دست است که نشان می‌دهد ناتوانی‌های یادگیری احتمالاً در برخی خانواده‌ها بیش از دیگران دیده می‌شود در واقع عوامل ژنتیکی در شمار وسیعی از ناتوانی‌های یادگیری نقش دارد.

و) عوامل بیوشیمیایی: اختلال‌های گوناگون متابولیکی در حکم عواملی هستند که موجب ناتوانی‌های یادگیری می‌شوند مثل هایپوگلیسمی، کم‌کاری تیروئید و ...

ز) عوامل پیش، هنگام و بعد از تولد

ح) تأخیر رشد: بندر، دهریش، جانسکی، لانگ فود... اظهار می‌دارند که عدم ظهور علائم رشد برخی از کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری ممکن است از تأخیر رشد برخی اجزای دستگاه عصبی مرکزی سرچشمه گرفته باشد که این گونه کودکان پس از بزرگتر شدن بر این مشکلات غلبه می‌کنند [۱۹].

ط) نقص جزئی در کار مغز: به نظر می‌آید هر گونه نتیجه‌گیری درباره حیاتی بودن آسیب دیدگی مغزی در کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری در بهترین شرایط فقط جنبه تجربی و آزمایشی دارد.

ی) تغذیه: بسیاری از والدین تصور می‌کنند با خوراندن حجم زیادی از مواد غذایی و خوراکی‌های چرب و شیرین به فراگیری فرزندان خود کمک می‌کنند، اما کارشناسان تغذیه معتقدند فراگیری مطالب درسی، نیازی به دریافت کالری بیشتر ندارد و این رویه علاوه بر مختل کردن یادگیری، منجر به بروز چاقی می‌شود. [۲۰]

مهارت فردی

مهارت یعنی توانایی در انجام کارهای سخت و دشوار مهارت‌های فردی ذاتی نیستند به همین خاطر به صورت اکتسابی می‌توان آنها را فراگرفت و گسترده تر کرد:

مهارت‌های فردی را می‌توان مانند مهارت‌های دیگر به راحتی یاد گرفت، یادگیری مهارت‌های مختلف در هر حوزه ای نه تنها در زندگی شخصی کمک بزرگی به افراد می‌کند بلکه در مسیر شغلی آنها را به موفقیت می‌رساند. مهارت جدیدی را آموخته‌اید؟ یا یکی از مهارت‌های قبلی خود را توسعه داده‌اید؟ پس قطعاً ظرفیت‌های جدیدی به شخصیت شما اضافه شده است و هر دفعه با یادگیری هر مهارت و هر چیز جدید درک شما نسبت به مسائل روز به روز بیشتر از قبل می‌شود [۲۱].

مهارت‌های فردی به دو بخش کلی تقسیم می‌شود:

توانایی‌های فردی

توانایی‌های شغلی

افراد باید تلاش کنند تا مهارت‌های کلیدی را آموخته تا حس بهتر نسبت به خودشان داشته و انگیزه و اعتماد به نفس بالاتری کسب کنند. در مهارت فردی بحثی وجود دارد که عبارت است از:

تعهد حرفه‌ای: حفظ جایگاه خود، متعهد بودن به تیم سازمان و وفاداری به آن

مهارت‌های فردی باعث بهبود مهارت‌های دیگر می‌شوند و یا می‌توانند آنها را رشد و توسعه دهند.

افراد در تمام مراحل کسب و کار خود با این مهارت‌ها در ارتباط اند و تجربه شما به مرور زمان در بکارگیری مهارت‌ها بالاتر می‌رود.

مهارت حل مسئله به افراد این امکان را می‌دهد که بتوانند هیجانات در خود و دیگران را تشخیص داده، تاثیر هیجان بر رفتار را شناسایی کرده و بتوانند واکنش مناسبی نسبت به آن هیجانات داشته باشند [۲۲].

مهارت یعنی دانستن و توانستن:

دانستن: دانش وجود مهارت

توانستن: اجرایی کردن مهارت

اگر افراد بخواهند بر روی مهارت‌های خود تسلط داشته باشند باید آنها را دائماً تکرار کرده تا بتوانند بهبودشان دهند. بتوانند با مهارت‌های خود ارتباط برقرار کرده و هر دفعه بعد از تکرار آن چیزی که یاد گرفته اند بازخورد را مشاهده کنند [۲۳].

استعداد

استعداد یعنی یادگیری یک مهارت با صرف انرژی کمتر و زمان کمتر. مثلاً فرض کنید دو نفر همزمان کاری را آغاز می‌کنند و قصد یادگیری آن را دارند؛ فردی که خیلی زودتر آن کار را یاد می‌گیرد و انرژی کمتری هم صرف آن می‌کند، یعنی استعداد بیشتری در آن کار دارد [۲۴].

حالا، استعداد ذاتی است یا اکتسابی؟

وجود استعداد، ذاتی است، ولی کشف و پرورش آن اکتسابی است. در واقع استعداد یعنی توانایی و توانمندی طبیعی که میزان و کمیت آن در هر فردی تا فردی دیگر متفاوت است و یکسان نیست. علاوه بر آن، کیفیت و چگونگی استعداد افراد نیز مختلف است و این موضوعی است که به روشنی می‌توانید در بین افراد مشاهده کنید. یکی در زمینه جسمانی از توانایی خوبی برخوردار است دیگر در زمینه فکری و عملی و فرد سوم در زمینه دیگر و همین افراد میزان توانایی‌شان نیز کم و زیاد است. اما کشف استعدادهای درونی افراد نیازمند دانش و تجربه کافی است [۲۵].

هر چند بعضی استعدادها را می‌توان به سادگی شناخت ولی از آنجا که بعضی استعدادها و میزان آن در افراد نهفته است و هنوز شکوفا نشده و زمینه به فعلیت رسیدن و بروز و ظهور آن فراهم نشده و چه بسا خود فرد نیز از آن اطلاعی ندارد، اینگونه استعدادها را باید با ابزارها و آزمون‌های مختلف روانشناختی و استفاده از تجارب افراد متخصص بدست آورد و شناخت. راهی برای شناخت استعداد درونی گزارش افراد درباره توانایی‌های گذشته خویش و موفقیت‌هایی که در زمینه خاصی بدست آورده، می‌باشد. [۲۶]

بر اساس اصل تفاوت‌های فردی که در علم روانشناسی از آن بحث می‌شود و با توجه به مشاهدات و تجربه هر فردی که در رفتار و اعمال دیگران انجام می‌گیرد، روشن است که انسان‌ها علی‌رغم داشتن ویژگی‌های مشترک، دارای تفاوت‌های فردی زیادی در ابعاد مختلف وجودی‌شان هستند. هیچ‌کس دو انسانی را نمی‌یابد که در تمام ویژگی‌های جسمانی مشابه یکدیگر باشند حتی این مطلب به اثبات رسیده است که سرانگشتان هیچ‌کس دو انسانی از ابتدا آفرینش تا پایان عمر دنیا یکسان نیست و بر همین اساس انگشت‌نگاری یکی از راه‌های شناسایی افراد قرار گرفته است [۲۷].

بنابراین وجود استعدادهای مختلف در افراد یکی از رازهای خلقت انسان است. هر چند ممکن است انسان براساس شناخت و تمرین تکرار در زمینه‌ای خاص؛ تمایل جدیدی برای خود به وجود آورد و استعداد بالقوه خود را شکوفا سازد. زیرا انسان از توانایی‌های زیادی برخوردار است و اگر بخواهد و امکانات آن را فراهم کند و تلاش جدی به خرج دهد و پشتکار داشته باشد در غیر آن رشته تخصصی و مورد علاقه‌اش نیز دارایی تخصص شود و یا حداقل در آن رشته تلاش انجام دهید. ولی روان‌شناسان معتقدند هر انسانی در رشته‌ای ویژه دارای استعداد خاصی است و باید آن را توسط کارشناسان (بخصوص در دوران تحصیلی) مورد شناسایی قرار دهد و به شکوفایی آن بپردازد. در این صورت است که موفقیت او قطعی و حتمی است و به همین جهت مسئولیت معلمان و آموزش و پرورش در این رابطه سنگین و زیاد است [۲۸].

مدیریت استعداد ذاتی است یا مهارت اکتسابی است؟

مدیریت اکتسابی هست. تا این حد که بی‌استعدادترین فرد ممکن که در میان میلیاردها انسان، آخرین نفر احتمالی برای تبدیل شدن به یک مدیر خوب می‌باشد، در صورت قرار گرفتن در معرض آموزش‌های صحیح، برخوردار بودن از خدمات مربی‌گری حرفه‌ای در این حوزه و نیز تمرین و تمرین و نه به زودی و نه به راحتی، بلکه در گذر زمان و با تحمل سختی‌ها، حتماً می‌تواند به مدیری خوب مبدل شود [۲۹]. گروهی موافق این نظریه هستند و گروه دیگر مخالف. اغلب موافقان، به احتمال زیاد باور به این حقیقت دارند که انسان توانایی بی‌حد و حصری دارد و می‌تواند با کنترل بر تفکر، عملکرد و مسیر تداوم اقدامات خود، هر مانعی را پشت سر بگذارد [۳۰].

رفتار اکتسابی

ما انسان‌ها ما دو دسته رفتار داریم:

اول، رفتار ذاتی یعنی رفتاری که با به دنیا آمدن با خودمان داریم. رفتاری از جنس مهربانی، گذشت، امیدواری، خنده رو بودن، لطافت روحی، راست‌گویی، صداقت، عشق و... همه انسانها با همین طبیعت به دنیا می‌آیند.
دوم، رفتار اکتسابی که آنها را یاد میگیریم! و شوربختانه به دلایل مختلف دچار طبیعت دیگری میشویم! رفتارهای اشتباهی مثل دروغگویی، فریب‌کاری، پنهان‌کاری، دزدی، بدگویی، خشم و عصبانیت، نفرت و کینه و... [۳۱]

اخلاق ذاتی و اکتسابی

کلمه اخلاق از نظر لغت، جمع خلق است. این کلمه زمانی به کار می رود که شخص صفت نفسانی و یا حالتی که در نفس او رسوخ کرده، را دارا باشد. در این صورت، افعالی که متناسب با آن صفت هست، بدون نیاز به فکر کردن، سنجیدن از انسان صادر شود. کلمه اخلاق از نظر اصطلاح علم اخلاق، در دو مورد استفاده می شود؛

- ۱- جایی که شخص عملی را انجام دهد ولی علت آن ملکه راسخه نباشد و حتی با تأمل و فکر انجام شده باشد.
 - ۲- به عنوان صفت فعل به کار می رود، یعنی کار اخلاقی که منظور تنها صفات نفسانی نیست.
- وقتی می گویند فلان کار، اخلاقی است، یعنی با فضیلت و خوب است و یا فلان کار غیر اخلاقی است یعنی رذیله و ناشایسته است [۱].

اخلاق مانند زبان، مذهب و... قبل از فرد اخلاقی وجود دارد و فرد، داخل آن می شود و با رفتار اخلاقی در آن سهیم می گردد و پس از فرد نیز به وجودش ادامه می دهد. البته اجتماعی بودن به معنای وجود نظامی حاکم بر ارتباطات افراد نیست، بلکه وجود اخلاق در یک جامعه می تواند ساخته و پرداخته یک فرد باشد [۲].

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که یادگیری به معنای کسب دانش، نگرش ها، رفتار، یافته ها، ارزش ها و مهارت ها می باشد. انسان ها و پس از آن حیوانات، بیشترین توانایی یادگیری را در کره ی زمین دارند. یادگیری می تواند در پی یک واقعه یا از طریق تجارب مکرر حاصل شود. یادگیری غالباً با آموزش همراه است اما واقعیت این است که این یک فرایند مادام العمر است. یادگیری از بدو تولد آغاز می شود و اغلب به عنوان یک سفر بی پایان توصیف می شود زیرا ما در طول زندگی مان چیزهایی را تجربه می کنیم و به طور مداوم یاد می گیریم. یادگیری معنا و مفهوم عمیق تری نیز دارد. توانایی یادگیری فقط مربوط به تفکر نیست بلکه شامل ارزش ها، باورها، احساسات و حواس نیز هست. عبارت دیگر یادگیری فقط شامل یادآوری و به خاطر سپردن نیست بلکه موجب ایجاد ارتباط، تفکر انتقادی، درک، ارتباط ایده ها، تفکر مستقل و انتقال دانش به زمینه های مختلف می شود. یادگیرنده با کسب اطلاعات از ادراکات و تجربیات خود، به کسب دانش ادامه می دهد. کودکی که متولد می شود، چیزی در مورد این دنیا نمی داند اما شروع به درک چیزهایی می کند که روند تدریجی یادگیری را تسهیل می کند.

منابع و مأخذ

- [۱] احمدزاده، محمدمین و شکاری، غلامعباس (۱۳۹۹) مدیریت ارتباطات، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران،
- [۲] احمدی، حسین . (۱۳۸۲). تجزیه و تحلیل ارتباطات سازمانی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی ،
- [۳] آرایبی درونکلاد، سوسن (۱۳۹۶) جهانی شدن فرهنگ، تهران: نشر کورش
- [۴] آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۶، ارتباطات سازمانی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی ،
- [۵] استوت، زهرا (۱۳۹۸) برنامه ریزی بلندمدت بخش اجتماعی و فرهنگی، نمونه موردی جامعه ایران، دفتر آمایش سرزمین، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- [۶] آقاجانی، حسن و حشمتی، احمد (۱۳۹۶) فن آوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی ، انتشارات دانش ،
- [۷] ایزدی، حامد. (۱۳۸۰). طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات، تهران، سروش ،
- [۸] بهرامی، جلال (۱۳۹۶) جامعه شناسی ارتباطات، تهران: اطلاعات، چاپ هفدهم
- [۹] بیابانی ، سارا (۱۳۹۷) . ارتباطات انسانی، جلد اول، تهران: نشر خدمات فرهنگی رسا ،
- [۱۰] دادگران، عبدالله (۱۳۸۹) شیوه مدیریت کلاس و مهارت ارتباطی با دانش آموزان. همایش معلم در عصر دانایی. مرکز تربیت معلم شهید باهنر اصفهان ،
- [۱۱] دانایی، محمدمین (۱۳۹۹) بعد فرهنگی ارتباطات برای توسعه، ترجمه مهرسیما فلسفی، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش صدا و سیما.
- [۱۲] داودآبادی، ناصر (۱۳۸۵) عناصر یادگیری پایدار، انتشارات دانش ،

- [۱۳] ذاکر، عبدالله (۱۳۹۳) ارتباط مدیریت منابع انسانی با علم اخلاق، دنیای پژوهش، تهران ،
- [۱۴] رحمان سرشت حسین و فرهادی نژاد محسن (۱۳۹۸) نظریه‌های ارتباطات سازمانی، تهران، رسا،
- [۱۵] رشیدپور، غلامعباس (۱۳۹۹) وسایل ارتباط جمعی و امپراتوری آمریکا، تهران : سروش.
- [۱۶] زورق، نرجس (۱۳۸۹) انگیزش برای یادگیری، از نظریه تا عمل. دنیای پژوهش. تهران
- [۱۷] ساروخانی، فهیمه (۱۳۹۹) نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه،
- [۱۸] سجادیان ، غلامعباس (۱۳۹۹) دانش و ارزش: پژوهشی در ارتباط علم و اخلاق ، تهران: انتشارات یاران
- [۱۹] **سلطانی فر، حامد (۱۳۹۷)** ارتباطات میان فردی، تهران، آفتاب ۱،
- [۲۰] صدیق، علی (۱۳۸۹) مدارس هوشمند، انتشارات تایماز
- [۲۱] ضیایی، حمید (۱۳۸۸) فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش . تهران : فراشناختی
- [۲۲] فرقانی، لیلا (۱۳۸۲) ارتباطات سیاسی، تهران، علوم نوین، چاپ دوم ،
- [۲۳] فرقی، سمیه (۱۳۹۶) مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی ، انتشارات رشد ،
- [۲۴] قلاوندی حسن و مرادی زهرا (۱۳۹۸) ارتباطات انسانی، تهران: نشر خدمات فرهنگی رسا
- [۲۵] کاز نو، سعید (۱۳۹۷) جایگاه دانشگاه در ارتباط با بخش‌های گوناگون جامعه، در جامعه شناسی علم، تهران: انتشارات جامعه شناسان ،
- [۲۶] کمال زاده حسام الدین و لیاقت فهیمه (۱۴۰۰) آموزش در ارتباط با توسعه، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی ،
- [۲۷] گل محمدی، ابراهیم. (۱۳۸۳). جهانی شدن فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- [۲۸] محیبیان، محسن (۱۳۹۰) فرهنگ و رفتار اجتماعی، انتشارات رسانش، تهران.
- [۲۹] مسعودی فر، جواد. (۱۳۸۲). آموزش در ارتباط با توسعه، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- [۳۰] معتمد نژاد، فهیمه (۱۳۹۸) ، جهانی سازی غربی، جهانی سازی اسلامی، موسسه فرهنگی طرحی برای فردا ،
- [۳۱] مفتخری، حلیمه. (۱۳۷۹). ارتباطات سازمانی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی ،